

نام های باستانی استان

تهران

مصطفی پاشنگ

پاشنگ، مصطفی، ۱۳۲۸ -	سرشناسه
نام‌های باستانی استان تهران / مصطفی پاشنگ.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: مصطفی پاشنگ، ۱۳۹۶.	مشخصات نشر
۴۱۲ ص.	مشخصات ظاهری
978-60004-8125-4	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
نمایه.	یادداشت
نام‌های جغرافیایی -- ایران -- تهران (استان) -- ریشه‌شناسی	موضوع
Names, Geographical-- Iran -- Tehran (Province) -- Etymology	موضوع
نام‌های جغرافیایی -- ایران -- تهران (استان) -- تاریخ	موضوع
Names, Geographical-- Iran -- Tehran (Province) -- History	موضوع
DSR۲۰۰۷/۵۴۳پ۲ ۱۳۹۶	رده بندی کنگره
۹۵۵/۵۱۲	رده بندی دیویی
۴۸۰۷۱۷۰	شماره کتابشناسی ملی

عنوان: نام‌های باستانی استان تهران

نویسنده: مصطفی پاشنگ

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

ناشر: مولف

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

چاپ: سورنا

آدرس: خ ژاندارم‌ری - مجتمع ناشران کوثر - زیر همکف

واحد ۶ - سورنا - تلفن: ۶۶۴۹۴۳۶۱

پهرست نوشته‌ها

شماره رویه	نوشته‌ها
۷	پیش گفتار
۱۱	فرگرد یکم
۱۱	بخش یکم: پهرست نام‌های باستانی شهرها و روستاهای شهر تهران
۳۶	بخش دوم: نام‌های باستانی شهرها و روستاهای استان تهران
۱۱۴	فرگرد دوم
۱۱۴	بخش یکم: پهرست نام‌های استانی کوه‌های استان تهران
۱۳۳	بخش دوم: نام‌های باستانی کوه‌های استان تهران
۱۸۷	فرگرد سوم
۱۸۷	بخش یکم: نام‌های باستانی استان تهران و فرهنگ مردم این سرزمین
۱۹۰	بخش دوم: تهران
۱۹۵	بخش سوم: شاهنامه و نام‌های باستانی استان تهران
۱۹۹	بخش چهارم: دگرگونی در نام‌های باستانی استان تهران
۲۰۸	بخش پنجم: دیرینگی استان تهران
۲۱۲	بخش ششم: آیین‌های باستانی در سرزمین ری، استان و ایران
۲۲۹	بخش هفتم: آیین‌ها و دیدگاه‌های دانشمندان و نویسندگان
۲۴۸	بخش هشتم: آیین‌ها و فرهنگ
۲۴۹	نمادهای آیین مهر
۲۵۶	نمادهای مهری
۲۵۸	نمادهای دیوسانی آیین مهر
۲۶۶	بخش نهم: آناهیتا و زبان پارسی

- فرگرد چهارم ۲۷۰
- بخش یکم: زبان و زمان و فرهنگ ۲۷۰
- زبان پارسی پیش از تاخت و تاز تازیان ۲۷۳
- الف: نام‌های باستانی ساخته شده از تکواژ هسته‌ای و آریایی سن (san) = آموزش ۲۷۵
- ب: نام‌های ساخته شده از تکواژ هسته‌ای و آریایی (ری) = درخشان ۲۷۶
- پ: نام‌های ساخته شده از تکواژهای هسته‌ای و آریایی گی و جی = زندگی ۲۷۷
- بخش دوم: نام‌های باستانی ساخته شده از تکواژهای هسته‌ای در استان تهران ۲۸۱
- نام‌های باستانی استان تهران ساخته شده از تکواژهای ریشه‌ای و آریایی زبان پارسی ۲۸۴
- کاربردترین تکواژهای آریایی هسته‌ای و ریشه‌ای زبان پارسی ۲۸۸
- ساختمان نام‌های باستانی پارسی ۲۸۹
- پهرست فرگرد چهارم ۲۹۴
- بخش سوم: سخنی کوتاه در زمینه‌ی نام‌های باستانی خیابان‌ها و کوچه‌های شهر تهران ۳۰۰
- بخش چهارم: شهر تهران از چهار دهه‌ی پیش تا اکنون ۳۰۱
- بخش پنجم: نام‌های باستانی بخش ۱ تهران (شمالی) ۳۰۳
- جشن‌های کهن ایران زمین ۳۲۰
- بخش ششم: نام‌های باستانی رواسان (لواسان) ۳۵۱
- بخش هفتم: نام‌های باستانی شهر تهران بخش ۳ تهران ۳۷۰
- دروس (darus) ۳۸۷
- دیرینگی دروس از دیدگاه باستان شناسی ۳۸۸
- قلهک (Kul - hak) ۴۰۰
- قیطریه (Ķeytariye) (گی تراهه) ۴۰۱
- نمایه‌ها (یاری نامه‌ها) ۴۱۲

پیش‌گفتار

این درست است که زمینه‌ی سخن در این کتاب نام‌های باستانی استان تهران است. اما گوهر سخن ژرف ساخت زبان پارسی است زبانی که چندین هزار سال گزارش‌کننده‌ی فرهنگ مردم ایران زمین بوده و اکنون هم هست. اما در این زمینه باید باور کرد که ما از روزگار امروز که به گمانه روشن است به روزگاری به دیرینگی چند هزار سال که از دیدگاهی تیره و تاریک است نگاه کرده‌ایم. و یا از نیمه روشن به تاریکی رنجه نگرسته‌ایم. و با دیدگاهی تیره و دانش امروزی و پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای به دایری و بررسی سال‌های دور فراموش شده پرداخته‌ایم. بی‌گمان اگر با این دیدگاه به زبان پارسی و یا نام‌های باستانی ایران بزرگ که اندام‌های بنیادین زبان پارسی کنونی نامیده می‌شوند نگاه شود. می‌شود هزاران گونه گمانه‌پردازی کرد. و از آن گمانه‌پردازی‌ها کتاب‌های فراوانی نوشت و یا می‌توان کتاب‌سازی کرد. و نوشت چه کسانی در چه روزگاری و در چه کتابی به نوشته‌اند. و یا چه کسانی درست و یا چه کسانی نادرست نوشته‌اند.

نارساتر از همه‌ی این دیدگاه‌ها آن است که بدرون‌بررسی و پژوهش گروهی از این دیدگاه‌ها را بسته به نیاز و روند زندگی خود پذیرفت و به یک باور فرمایشی رسیده و به درست بودن آن پافشاری کرد. یا می‌توان زبان را از فرهنگ سوا کرد و دست‌آزاری برای گرایش‌ها و خواسته‌ها دانست. بی‌گمان اگر چنین باورهایی فراگیر شود. یا گویشوران و دست‌اندرکاران فرهنگ و زبان و آموزش‌دهندگان زبان به این باورها برسند زبان در بن بست زبانی گرفتار آمده است. زیرا که اندیشیدن در زمینه‌ی زبان به بن بست رسیده است و زبان پارسی که هسته آن از (نوا + خرد) سامان‌دهی شده است. خرد از هسته‌ی زبان گرفته می‌شود. و یا اندیشه از زبان سوا می‌شود و گویشوران زبان در زمینه‌ی زبان خود نمی‌اندیشند. مانند اینکه گویشور زبان و یا

دانش اندوخته در زمینه‌ی زبان از خود نمی‌پرسد واژه‌ی (گمان)^۱ چگونه ساخته شده است. و یا چرا نام این کلان شهر را تهران^۲ و نام آن کلان شهر دیگر را کرج^۳ و یا چرا آن میدان را ونک^۴ نامیده‌اند.

ناگفته نماند که گروه این نام‌های باستانی اندک نیست در چهار استان از ایران بزرگ [استان تهران، استان میانه (مرکزی)، استان خوزستان و استان لرستان] تا کنون نزدیک به ۷۷۵۰ نام باستانی با تکیه بر پژوهش‌های میدانی گسترده شناسایی شده است. و در یک پژوهش میدانی گذرا و با تکیه بر انگارش زبان (ریاضی و زبان) به گمانه پیش از نیست هر نام باستانی شناسایی شده است. که ژرف ساخت این نام‌ها اندام‌های بنیادین زبان پارسی است. این نام‌های باستانی یا واژگان را هم اکنون مردم ایران بسته به کوچک و بزرگ بودن شهرها و روستاها هر روز چندین بار به زبان می‌رانند. و بخش بزرگی از زبان فرهنگ مردم ایران نامیده می‌شود. اما این نام‌های گوهریک و یا ژرف ساخت زبان پارسی به بهانه‌ی نام بودن از زبان کنار گذشته شده است. و اگر هم بخواهیم بدون پرده پوشی بگوییم. ما بنیاد و شالوده‌ی زبان پارسی را کنار گذاشته‌ایم و به واژه‌سازی‌های خرد و نوا از آمیختگی زبان پارسی با زبان تازی نشسته‌ایم. زیرا اندیشه و اندیشیدن را از زبان گذشته‌ایم یا اینکه زبان پارسی را که از پیوند (نوا + خرد) است خرد را رها کرده و نوا را به بی‌ماییم. هنگامی هم که اندیشیدن در زمینه‌ی زبان به بن بست رسید. بی‌گمان زبان پارسی از زمان جا خواهد ماند.

۱- گمان: (گم + مان) (گم: ناپیدا + مان: خرد) گمان: خرد گم شده، خرد ناپیدا

۲- تهران: ساخته شده‌ی آراسته

۳- کرج: آفریده شده برای زندگی

۴- ونک: پیروزی، ستایش، نیایش (ریشه‌یابی در همین کتاب)

در چنین روندی زبان پارسی پاسخ گوی نیاز گویشوران خود نیست. در این کتاب نزدیک به ۱۳۰۰ نام باستانی که هنر خردورزی نیاکان مردم امروز این سرزمین‌ها است شناسایی و ریشه‌یابی شده است. آیا این ۱۳۰۰ اندام زبانی در ادب‌سار امروز به کار گرفته می‌شود؟ اگر چنین است ادبار و روند آموزش و هنر نوشتن همگام با فرهنگ مردم امروز ایران زمین است و مردم امروز ایران در زمینه‌ی فرهنگ و زبان خود به اندیشه نشسته و زبان خود را با زمان هماهنگ کرده و فرهنگ امروز خود را گزارش می‌کند. اما اگر چنین نیست و زبان ادبیک امروزی با نزدیک به ۶۰٪ واژه‌های بیگانه بدر از یک مردم این مرز و بوم راهی دگرگونه می‌پیماید، بی‌گمان خرد زبان کنار گذاشته شده و آن زبان گویشی دست ساز و نوپا خواهد بود. زیرا که زبان بدون ژرف ساخت تاریخی خرابه می‌شود. از سویی نمی‌توان گفت که استان تهران تنها همین ۱۳۰۰ نام باستانی داشته است. بی‌گمان شمارگان نام‌های باستانی تهران بسیار افزون‌تر است. و شمار فروانی از آن نام‌ها چنان به فراموشی سپرده شده است که من نتوانستم ردپایی از آن نام‌ها بیایم، شاید از ناتوانی من بوده. اما بی‌گمان در شناسایی و ریشه‌یابی این نام‌های باستانی اندک نادرستی‌هایی به چشم خواهد خورد. اما نه آنچنان که از هسته‌ی زبان و با چهارچوب انگارش زبان (ریاضی و زبان) به دور باشد، اما هر چه هست من شاگرد فرهنگ چند هزار ساله‌ی این سرزمین هستم نه استاد فرهنگ این سرزمین. می‌توان کمتر دانست، گرفت و این شاگرد را راهنمایی کرد. زیرا که در پژوهش‌های تن فرسا و پر هزینه‌ی میدانی دست یاری نبود. اما آنچه که یافته و در این کتاب نوشته شده است آن نیست که بگوییم در گذشته چه بوده است می‌گوییم اکنون هست و فرهنگ مردم امروز این سرزمین است که دیرینگی چند هزار ساله دارد و آنچنان ارزان هم به دست نیامده است. نیاکان مردم این سرزمین‌ها برای نگهداری و نگهبانی از این فرهنگ چند هزار ساله.

جنگ‌ها کرده و کشته‌ها داده‌اند. و رنج‌ها کشیده‌اند. و بارها زندگی آنان به آتش کشیده شده است. پس باید به آن بها داده شود. و من نگارنده و پژوهشگر هم شادمان از آنم که توانسته‌ام گوشه‌هایی از این فرهنگ گرانسنگ را از زیر بار گرد زمان بیرون آورده و به تماشا بگذارم. به امید اینکه مردم این سرزمین هم با نگاهی به درخشش فرهنگ خود با پژوهش بیشتر بر بالندگی فرهنگ ایران زمین بیفزایند.

با درود و سپاس مصطفی پاشنگ

www.ketab.ir